

مبنای ادبِ پایداری در اشعارِ پروین اعتصامی (با تأکید بر آیاتِ قرآن)

نگین خان محمدی اطاقسرا

کارشناسی ارشدِ زبان و ادبیاتِ فارسی، ادبیاتِ پایداری، دانشگاهِ سمنان

عبدالله حسن زاده میرعلی

دانشیارِ زبان و ادبیاتِ فارسی، دانشگاهِ سمنان

یدالله شکری

دانشیارِ زبان و ادبیاتِ فارسی، دانشگاهِ سمنان

چکیده

ادبیاتی که به گونه‌های مختلف نظم و نثر به پایداری برابرِ ناملايمات می‌پردازد ادبیاتِ پایداری نام‌گذاری شده است. این گونه از ادبیات از مؤلفه‌های شاخصی برخوردار است. پایداری برابرِ بی‌عدالتی، بی‌اخلاقی، خودپسندی، اسارات، ستم، فقر، نفس و ریا از مؤلفه‌های این ادبیات شمرده می‌شوند. قرآن کریم همواره انسان‌ها را به ایستادگی برابرِ این ناپسندی‌ها فرامی‌خواند؛ بنابراین آیاتِ قرآن و احادیثِ نبوی مبنای ادبِ پایداری شناخته می‌شوند. در این میان شاعرانی به شیوه‌ی مستقیم و غیر مستقیم به آیاتِ قرآنی اشاره می‌کنند. پروین اعتصامی از شاعرانِ معاصر است که به شیوه‌ی تلمیح از آیات و داستان‌های قرآنی استفاده می‌کند. استناد به داستان‌های قرآنی در اشعارِ پروین برای مقابله با ستمِ ستم‌گران، نوازشِ فرزندانِ مقابلِ یتیمان و ریای ریاکاران آورده شده است. این مقاله به شرحِ آیاتِ قرآنی در اشعارِ پروین اعتصامی می‌پردازد و ارتباطِ مؤلفه‌های پایداری با قرآن و اشعارِ پروین بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: مبنای ادبِ پایداری، ادبیاتِ پایداری، قرآن، پروین اعتصامی

مقدمه

آیاتِ قرآن و احادیثِ پیامبران، از مهم‌ترین مبانی ادبیاتِ پایداری به شمار می‌روند؛ زیرا چنان‌که آشکار است هدایتِ قرآن و پیغامِ پیغامبران هدفی جز گسترشِ خیر و عدالت ندارد. «کتاب‌ها و آموزه‌های دینی، سیمای معصومین (علیهم السّلام) و سخنان و روایاتِ سازنده‌ی آنان برای روشنگری و استبداد ستیزی، از مبانی نظری مهم در ادبیاتِ پایداری است که همواره انسان را به اخلاقِ نیکو برای رسیدن به رستگاری دعوت می‌کنند.» (آقاخان‌ی بیژنی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱). قرآن کریم در عین حال که همه‌جا ندای توحید سومی دهد، مردم را به پایداری و مبارزاتِ اجتماعی برای به دست آوردنِ حقوقِ خود و دیگران فرا می‌خواند. حال، شاعرانی که در شعرِ خود مستقیم یا غیر مستقیم از آیاتِ کتابِ خداوند یاد می‌کنند، اشعارِ خود را از مبانی ادبیاتِ پایداری

لبریز می‌کنند. استفاده از آیات قرآنی در اشعار از گذشته وجود داشته است. شاعرانی چون حافظ، سعدی، رودکی و بسیاری دیگر از این جمله‌اند:

چشم حافظ زیر قصر بام آن حوری سرشت

شیوه‌ی جنات تجری تحت الانهار داشت (خرم‌شاهی، ۱۳۸۳)

شاعران گذشته و امروز با شیوه‌های گوناگون ادبی چون تضمین و تلمیح و ملمع از آیات قرآنی و استناد به آن استفاده می‌کردند. خواه برای بیان مفاهیم غنایی و خواه برای مفاهیم تعلیمی یا پایداری. مؤلفه‌هایی که شاعران پایداری به نکوهش و یا ایستادگی برابر آن‌ها می‌پردازند همان صفات ناپسندی شمرده می‌شوند که خداوند در کتاب خود به عنوان مهم‌ترین مبانی ادبیات پایداری از آن‌ها یاد کرده است. طبیعتاً پروین اعتصامی در جایگاه یک شاعر اخلاقی از مهم‌ترین شاعران پایداری است که شعر خود را با کلام خداوند مزین کرد:

آن‌که نشناخته از هم الف و با را

زو چه داری طمع معرفت قرآن؟

(اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۹۱)

داستان‌های قرآنی در اشعار

گاهی الفاظ و عبارات قرآنی به گونه‌ای تضمین‌وار (هر چند اندک) در اشعار پروین اعتصامی دیده می‌شود و گاه به صورت اشاره و تلمیح بیان می‌شود. پروین در این ابیات از واژگان و عباراتی از قرآن بهره می‌گیرد تا بتواند مجاهده و پایداری خود را برابر نفاق و کفر نعمت نمایش دهد. در این ابیات، پروین عیناً واژگان قرآن را در نظم خود می‌آورد:

سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹:

بسی مجاهده کردیم در طریق نفاق

ببین چه بیهده تفسیر «جاهدوا» کردیم

(همان، ص ۳۳۱)

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۱:

چو اسرائیلیان، کُفرانِ نعمت

مکن چون هست هم «سلوی» و هم «من»

(همان، ص ۲۷۸)

جاهدوا، سلوی و من از اشاره‌های مستقیم پروین اعتصامی به عبارات قرآنی است. باید گفت «شعر پروین نمونه‌ی بارزی از شعر متعهد و اخلاقی است که برای ارشاد و رواج ارزش‌های انسانی سروده است اگرچه اصطلاحات قرآنی و دینی در اشعارش کمتر وجود دارد اما او به اساسی‌ترین مسائل دینی و توحیدی که از دیدگاه او حکمت بالغه‌ی الهی و رحمت‌عام خداوندی و برابری بندگان در امر بندگی و عدم خروج از حیطة تسلیم‌پذیری و حکومت الهی و تجلیات جلال و جمال در مخلوقات است اهتمام

کامل دارد» (کراچی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). توجّه شاعر به انواع سوره‌های قرآنی و بهره‌گیری از واژگانِ پرتکرار در آن، زمینه‌ی ادبِ پایداری را فراهم می‌آورد. ظلمات، حیوان، سکندر، خضر، لقمان از جمله‌ی این واژگان هستند:

سوره‌ی کَهِف، آیات ۶۰ تا ۸۲:

آبِ حیوان یافتن بی‌رنج و در ظُلماتِ دل

زان همی نوشیدن و یادِ سکندر داشتن

(اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱)

روح زد خیمه‌ی دانش نه تنِ خاکی

خضر شد زنده‌ی جاوید نه اسکندر

(همان، ص ۶۹)

کِشتِ دروغ، بارِ حقیقت نمی‌دهد

این خشک رود چشمه‌ی حیوان نمی‌شود

(همان، ص ۶۱)

آن‌که اندر ره ظلمات فروماند

چه نصیبی بُود از چشمه‌ی حیوانش

(همان، ص ۷۴)

مقصودِ شاعر از عباراتِ چشمه‌ی حیوان و ظلمات ارتباطی است که میانِ پایداری و قرآن برقرار می‌کند. پایداری برابرِ ریاکاری و دروغ، چشمه‌ی حیوان را در پی خواهد داشت که نمادی برای سعادتِ اخروی است. در مقابل، ستم و فریبِ نمادِ ماندگاری در ظلماتند.

سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۲:

تنِ بدخواه ز تو لقمه همی خواهد

چه همی یاد دهی حکمتِ لقمانش

(همان، ص ۷۴)

در ادامه به تلمیحاتِ پروینِ اعتصامی به داستان‌های قرآنی و پیامبران اشاره می‌شود. از مهم‌ترین مبناهای پایداری، ایستادگی‌های پیامبران مقابلِ ستمِ ستمگران و ظالمانی است که در قرآن، فراوان اشاره گردیده. پیامبرانی که از جانبِ پروردگار فرستاده می‌شوند تا مقابلِ رفتارهای نکوهیده‌ی ظالمان پایداری کنند. بنابراین پروین اعتصامی برای تذکری به ظالمانِ عصر، پوششی از داستان‌های پیامبران را می‌آورد و از لحاظِ اخلاقی هم مبناهای اخلاقی را متذکر می‌شود:

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۵۸ و سوره‌ی انبیاء آیه‌ی ۶۹:

همچو عیسی بی پر و بی بال بر گردون شدن

همچو ابراهیم در آتش، گلستان داشتن

(همان، ص ۱۲۲)

عصا را اژدها بایست کردن، شعله را گلزار

تو با دعوی گه ابراهیم و گاهی پورِ عمرانی

(همان، ص ۱۱۰)

جز در نخیل، خوشه‌ی خرما کسی نیافت

جز بر خلیل، شعله گلستان نمی شود

(همان، ص ۶۱)

بهرِ گلزار، در آتش مفکن خود را

که گلستان نشود بر همه کس آذر

(همان، ص ۶۶)

سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۴۳:

همچو موسی بودن از نورِ تجلی تابناک

گفت و گوها با خدا در کوه و هامون داشتن

(همان، ص ۱۲۳)

هر رهنورد را بُود پای راه شوق

هر دست، دستِ موسیِ عمران نمی شود

(همان، ص ۶۱)

بگذر از بحر و ز فرعونِ هوی مندیش

دهر دریا و تو چون موسیِ عمرانی

(همان، ص ۱۰۶)

سوره‌ی نوح، آیه‌ی ۲۵:

کشتی صبر اندرین دریا درآفکندن چو نوح

دیده و دل فارغ از آشوب طوفان داشتن

(همان، ص ۱۲۲)

چو شدی نیک، چه پروات ز بدروزی

چو شدی نوح، چه اندیشه‌ات از طوفان

(همان، ص ۹۲)

سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۶:

بی حضورِ کیمیا از هر مسی زر ساختن

بی وجودِ گوهر و زر، گنجِ قارون داشتن

(همان، ص ۱۲۳)

سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۱۶:

بنده‌ی فرمانِ خود کردن همه آفاق را

دیو بستن، قدرتِ دستِ سلیمان داشتن

(همان، ص ۱۲۱)

سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۱۶:

مریم بسی به نام بود لیکن

رتبت یکی است مریمِ عذرا را

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۵۸:

پاکی‌گزین که راستی و پاکی

بر چرخِ برفراشت مسیحا را

سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۹:

خونِ یتیم درکشی و خواهی،

باغِ بهشت و سایه‌ی طوبی را

پروین اعتصامی برای ایستادگی برابرِ ظلمِ ظالمان نیز در جای جای دیوانِ خود به سوره‌های گوناگونِ قرآن اشاره‌ی غیرِ مستقیم دارد. او برای مقابله با بی‌عدالتیِ ظالمان به سوره‌های قرآن استناد می‌کند. ظالمانی که پس از رسیدن به مرتبه‌ی شاهی، خود را ستایش می‌کنند و دیگران را نیز به پرستشِ خود وامی‌دارند.

سوره‌ی اخلاص، آیه‌ی ۱:

انباز ساختیم و شریکی چند،

پروردگارِ صانعِ یکتا را

(همان، ص ۱۸)

تو خداوندپرستی، نسزد هرگز

کارِ بت‌خانه‌گزینی و شوی بت‌گر

(همان، ص ۶۸)

تو را که خانه‌ی دل خلوتِ خدا بودست

چرا به معبدِ شیطان کنی سجود و قیام؟

(همان، ص ۸۱)

ای به خود دیده‌چو شداد، خدابین شو

جز خدا را نسزد رتبتِ یزدانی

(همان، ص ۱۰۴)

سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰:

صبحِ رحمتِ نگشاید همه تاریکی

یوسفِ مصر نگردد همه زندانی

(همان، ص ۱۰۴)

سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۰۲:

مترس از جان‌فشانی گر طریق عشق می‌پویی

چو اسمعیل باید سر نهادن روز قربانی

(همان، ص ۱۰۹)

نشانه‌هایی غیر قابل انکار از قرآن کریم که پروین اعتصامی در نامساعدترین شرایط اجتماعی آن‌ها را یاد گرفته و در قلب قلم خویش ملکه نموده است. شاعری هنرمند حتی برای تنبیه ظالمان نیز با آیهی قرآنی ۹۴ سوره‌ی کهف شعرش را مزین می‌کند:

تا کی این خام فریپی؟ نه تو یأجوجی

چند بلعیدن مردم؟ نه تو ثعبانی

دیده بگشا، نه اینست جهان بینی

کفر بس کن، نه چنین است مسلمانی

(همان، ص ۱۰۷)

اشاره به داستان‌های قرآنی حضرت عیسی، موسی، سلیمان، ابراهیم، نوح و مریم در اشعار پروین اعتصامی به وفور یافت می‌شود. قرآن کریم برای مقابله با ستمکاران و ریاکاران پیامبران خود را می‌فرستاد تا برابر ستم و ریا پایداری کنند. اشاره‌ی پروین به این‌گونه داستان‌ها مصداق پایداری برابر ستم‌های عصر خویش است.

واژگان قرآنی در اشعار

پس از ذکر اشاراتی به آیات قرآن در دیوان پروین اعتصامی باید به این نکته هم اشاره شود که در قرآن بسیاری از واژگان، فراوان مشاهده می‌شوند که از قضا از «گل‌واژه‌های مهم ادبیات پایداری به شمار می‌روند» (تجلیل، ۱۳۹۲، ص ۷۴) و در دیوان پروین نیز فراوان از آن‌ها یاد شده است. یکی از این واژگان "تقوا" و "پرهیزکاری" است که پروین با زبان شعر از آن یاد کرده است. او گاهی پرهیز را مقابل جهل می‌گذارد، گاه آن را در تقابل با حرص و آز و هوی قرار می‌دهد و گاهی هم با زبانی آکنده از پند و اندرز، تقوا را انداز می‌دهد:

درزی شو و بدوز ز پرهیز پوششی

کائن جامه جامه‌ایست که خُلْقان نمی‌شود

(اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۶۰)

کشته‌ی حرص نیاورد بر تقوی

لشکر جهل نشد بهر کسی لشکر

(همان، ص ۶۶)

دست تقوی بگشا، پای هوی بر بند

تا ببینند که از کرده پشیمانی

(همان، ص ۱۰۵)

نگردد با تو تقوی دوست تا هم‌کاسه‌ی آزی

نباشد با تو دین‌آباز، تا آبازِ شیطانی

(همان، ص ۱۱۱)

ز انگشتِ آز، دامنِ تقوی سیه مکن

اینجامه چون درید، نه شایسته‌ی رفوست

(همان، ص ۱۳۲)

به از پرهیزکاری زیوری نیست

چو اشکِ دردمندان گوهری نیست

(همان، ص ۴۴۷)

بسی است پرتگه اندر ره هوی، پروین

مپوی جز ره پرهیز و باش نیک انجام

(همان، ص ۸۱)

شاعر، در مثنوی «زاهدِ خودبین» (همان، ص ۲۵۴) نیز مفصل‌تر به این مبحث پرداخته و زاهدانِ ریاکار و خودبین را نکوهش کرده است. از دیگر گل‌واژه‌های ادبِ پایداری، جهاد است که در لغت‌نامه‌ی دهخدا در معنای کارزار کردن و جنگیدن در راهِ حق معنا شده است. در کنارِ آن جهادِ اصغر را در معنای جنگ با دشمنانِ دین و جهادِ اکبر را در معنای جنگ با نفس و تحملِ رنج برای مبارزه با امیالِ نفسانی معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷). در اشعارِ پروین هر دو نوعِ این جهادها یافت می‌شود و در کنارِ آن این مطلب را در پوششی از کلامِ خدا آکنده می‌سازد:

عارفان از بهر افزودن به‌جان

از هوی و از هوس کم کرده‌اند

یادِ حق بر یادِ خود بگزیده‌اند

کارِ ابراهیمِ آدمی کرده‌اند

(همان، ص ۲۸۴)

از دیگر گل‌واژه‌های ادبِ پایداری در قرآن "عدل" و "عدالت" است از جمله آیه‌ی بیست و پنج سوره‌ی حدید. عدل در لغت‌نامه‌ی دهخدا، مقابلِ ستم و بیداد معنا شده است و جرجانی نیز عدالت را استقامت می‌داند که آن نیز در معنای پایداری است. برقراریِ عدالتِ اجتماعی یکی از اساسی‌ترین اهدافِ مشترکِ همه‌ی پیامبران بوده است و این خود از مؤلفه‌های مهمّ ادبیّاتِ پایداری است:

عدل چه افتاد که منسوخ شد رحمت و انصاف چرا کیمیاست (اعتصامی، ۱۳۷۲)

از دیگر گل‌واژه‌های ادبِ پایداری در قرآن "آزادی" است. آزادی، ستونِ اصلیِ تعریفِ ادبیاتِ پایداری است و شاعرانِ آزاده‌ای چون پروین با استفاده از گل‌واژه‌های ادبیاتِ پایداری در قرآن به دفاع از آزادی برمی‌خیزند:

آزاده کس نگفت تو را تا که خاطرت

گاهی اسیرِ آز و گهی بسته‌ی هواست

(همان، ص ۳۶)

مُلکِ آزادی چه نقصانت رساند

کآمدی در حصنِ تن مسجون شدی

(همان، ص ۱۰۱)

دامنِ آلوده مکن چونکه زپاکانی

بنده‌ی نفس مشو چونکه ز احراری

(همان، ص ۱۰۴)

راهِ آزادگان دگر راهیست

مردمی را اشارتی دگر است

(همان، ص ۱۴۸)

مرا اُفتادگیِ آزادگی داد

نیفتاد آن‌که مانند من اُفتاد

(همان، ص ۱۶۸)

اسیرِ نفس تویی، همچو ما گرفتاران

ز بندِ بندگیِ حرص و آز آزادند

(همان، ص ۲۰۸)

چه سود صحبتِ شاهان، چو نیست آزادی

چرا دهیم گران‌مایه وقت را ارزان

(همان، ص ۲۶۴)

ز آزادگان، بردباری و سعی

بیاموز، آموختن عار نیست

(همان، ص ۲۶۸)

باید آزاده کسی را خواندن

که گرفتار، درین عالم نیست

(همان، ص ۳۲۵)

شعارِ من، ز بس آزادگی و نیک‌دلی

به قدرِ خلقِ فزودن، ز خویش کاستن است

(همان، ص ۴۲۰)

خواجه آنست که آزاده بُود پروین

بانو آنست که باشد هنرش زیور

(همان، ص ۶۷)

هیچ آزاده نشد بنده‌ی تن پروین

هیچ پاکیزه نیالود دل و دامن

(همان، ص ۹۳)

مفهوم آزادی در شعرِ شاعرانِ ادبیّاتِ پایداری برگرفته از سخنانِ بزرگانِ دین است؛ برای نمونه حضرت علی(ع) دراین‌باره می‌فرماید: وَ لَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا: خداوند شما را آزاد آفرید پس خود را بنده‌ی دیگری قرار ندهید. به "قناعت" و "ساده زیستی" نیز بارها در نهج‌البلاغه و قرآن اشاره شده است:

همچو پاکان، گنج در گنجِ قناعت داشتن

مورِ قانع بودن و مُلکِ سلیمان داشتن

(همان، ص ۱۲۲)

قناعت کن اگر در آرزوی گنجِ قارونی

گدایِ خویش باش آر طالبِ مُلکِ سلیمانی

(همان، ص ۱۰۹)

بگفت از سور کمتر گوی با مور

که موران را قناعت خوش‌تر از سور

(همان، ص ۲۷۰)

سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۷۶ - سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۸۸ - سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۳۱ - سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۵۵ - سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۵.

بدان هوس که تنِ این و آن بیارایم

مرا وظیفه‌ی دیرینه ساده زیستن است

(همان، ص ۴۲۰)

از تکلف دور گشتن، ساده و خوش زیستن

ملکِ دهقانی خریدن، کارِ دهقان داشتن

(همان، ص ۱۲۲)

از جمله مباحثی که در ادبِ پایداری و قرآنِ کریم پررنگ است "یتیم نوازی" است. در اینجا رابطه‌ی یتیم نوازیِ دیوانِ پروین با قرآن بررسی می‌شود. قصیده‌ی "تیره‌بخت" به آیه‌ی نهم سوره‌ی نساء و احادیثِ نبوی اشاره دارد. این قصیده یتیم نوازی را پسندیده می‌داند و نوازشِ فرزندانِ خود در برابرِ یتیمان را ناپسند می‌شمارد:

دختری خُرد، شکایت سر کرد

که مرا حادثه بی‌مادر کرد

دیگری آمد و در خانه نشست

صحبت از رسم و ره دیگر کرد

اشکِ خونینِ مرا دید و همی

خنده‌ها با پسر و دختر کرد

نزدِ من دخترِ خود را بوسید

بوسه‌اش کارِ دوصد خنجر کرد

(همان، صص ۱۸۹-۱۹۰)

دختری مادرِ خود را از دست می‌دهد و یتیم می‌شود. به شکایت می‌پردازد و از جفا‌های نامادریِ خویش شکوه می‌کند: من در فراغِ مادر، اشک می‌ریختم و او با فرزندانِ خود می‌خندید، مقابلِ من بر فرزندانِ خود می‌بالید و آنان را نوازش می‌کرد و دلم را می‌شکست. از مصادیقِ مهمِ آیاتِ قرآن و احادیث، خودداری از بالیدنِ فرزندانِ خود مقابلِ یتیمان است که پروین این مصداق را بارِ دیگر در میانِ ابیاتِ قطعه‌ی دیگر بر آن تأکید می‌ورزد و آن را از جمله صفاتِ پاکِ انسان می‌شمارد:

دانی که را سزد صفتِ پاکی؟

آنکو وجودِ پاک نیالاید

تا کودکی یتیم همی ببند

اندام طفلِ خویش نیاراید

(همان، ص ۶۳)

رابطه‌ی آیاتِ قرآن و اشعارِ پروین به گونه‌ای پایدار است که پروین برخی از اشعارِ خود را به طورِ کامل به داستان‌های قرآنی اختصاص می‌دهد. مثنوی بی بدیلِ لطفِ حق از جمله اشعاری است که بیتِ بیتِ آن از اشاراتِ قرآنی لبریز گردیده؛ از جمله آیاتِ ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره‌ی اعراف و آیه‌ی ۲۵۸ سوره‌ی بقره:

آخر آن نورِ تجلیِ دود شد

آن یتیمِ بی گنه نمرود شد

پشه‌ای را حکم فرمودم که خیز

خاکش اندر دیده‌ی خودبین بریز

آن که با نمرود این احسان کند،

ظلم کی با موسیِ عمران کند؟

(همان، ص ۴۰۰)

تمام آنچه که ذکر شد «نشانه‌ی ظلم‌ستیزی و فقرنوازیِ پروین است؛ بانویی که با تأثیر از کلامِ امیرالمؤمنین آکنده از احساسِ تکلیف بود و غوطه‌ور در شورِ تعهد. شیرزنی که هرگز سر در لاکِ مقام و منزلتِ ادبی و اجتماعی فرو نبرد و تمامتِ عمرِ خود را در بیانِ گرفتاری‌ها و ناکامی‌های ضعیفان و ناتوانان سپری کرد. او آگاه بود که پیشه‌ورانِ زحمت‌کش روزگارش در زیر سایه‌ی دولتِ همایونی و دموکرات و مردم‌سالار، هست و نیستِ خود را از کف می‌دهند و بی‌هیچ اجر و مزدی برای اجنبی کار می‌کنند» (فیضی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۹) «ایداآلیسمِ پروین یک نوع ایداآلیسمِ اخلاقی است، آرزوی زندگیِ خوب که در آن ظلم و ستم، دشمنی و کینه نباشد، آرزوی یک اجتماعِ سراسر دوستی و پاکی. پروین، دوستدارِ انسان و به خصوص کسانی است که نظامِ اجتماعی، آن‌ها را بدبخت کرده است؛ دوستدارِ کارگران و زجرکشیدگان.» (شاهرویدی، ۱۳۷۲، ص ۱۱) از این روی همواره در جای جایِ دیوانِ خود زبان به بیانِ آیات و داستان‌های قرآن می‌گشاید تا از این طریق مدرکِ محکمی از سرنوشتِ تلخِ جفاکاران و خودپرستان بنمایاند.

نتیجه

مهم‌ترین مبنای ادبِ پایداریِ آیاتِ قرآن شناخته شد چراکه پررنگ‌ترین نشانه‌های ادبیاتِ پایداری را می‌توان در قرآن یافت. در این مقاله اشاره شد که پروین اعتصامی در جایگاهِ شاعریِ پایداری از مبانیِ ادبیاتِ پایداری و آیاتِ قرآن به طرقِ مختلف استفاده کرده است. تلمیح از ابزارهای او برای به کار بردنِ این مضمون بوده است. در دو مورد اشاره‌ی مستقیم به آیاتِ قرآنی داشته است و در مواردِ بی‌شماری به داستان‌های قرآنی از پیامبران اشاره می‌کند. حضرتِ موسی، یوسف، نوح، سلیمان و یعقوب و اشخاصی چون قارون و نمرود و اسکندر از اشاره‌های پروین به داستان‌های قرآنی می‌باشد. هم‌چنین بهره‌گیری از واژگانی چون آزادی، عدل و تقوا که سرلوحه‌ی قرآن و احادیث است از پرکاربردترین واژگانِ اشعارِ اوست.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۵). ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات پیام آزادی، چاپ اول.
- آقاخان‌بی‌ژنی، محمود؛ صادقی، اسماعیل؛ خوانساری، زهره و طغیانی، اسحاق، (۱۳۹۷). *مبنای ادب پایداری*، سیره و فرهنگ رضوی، شماره‌ی بیست و چهارم، سال ششم.
- اعتصامی، پروین، (۱۳۷۲). *دیوان پروین اعتصامی*، به اهتمام اسمعیل شاهرودی، انتشارات فخر رازی، چاپ اول.
- تجلیل، جلیل، (۱۳۹۲). *گل‌واژه‌های ادبیات پایداری در قرآن و حدیث و متون غیرروایی*، نشریه‌ی ادبیات پایداری، شماره‌ی نهم، سال پنجم.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۸۳). *حافظ نامه، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ*، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- فیضی، کریم، (۱۳۸۳). *راز پروین*، انتشارات مطبوعات دینی، قم، چاپ اول.
- قدمیاری، مجید، (۱۳۸۸). *معجزه‌ی پروین، نقد و تحلیل و گزیده‌ی اشعار پروین اعتصامی*، انتشارات سخن، چاپ اول.
- کراچی، روح‌انگیز، (۱۳۸۳). *پروین اعتصامی همراه با کتاب‌شناسی توصیفی*، انتشارات داستان‌سرا، تهران، چاپ اول.

The Fundamental of sustainability literature in the poems of Parvin E'tesami (with emphasis on the verses of the Qur'an)

Negin Khanmohammadi Otaghsara

Abdollah Hasanzadeh Mirali

Yadollah Shokri

Abstract

The literature that deals with stability in the face of adversities in different types of prose and order is called the literature of stability. This type of literature has significant elements. The stability of injustice, immorality, self-righteousness, captivity, oppression, poverty, selfishness and hypocrisy are among the components of this literature. The Holy Qur'an always calls people to stand up to these abominations; Therefore, the verses of the Qur'an and the prophetic hadiths are known as the basis of sustainable literature. Meanwhile, some poets refer directly and indirectly to Quranic verses. Parveen Etisami is one of the contemporary poets who uses Quranic verses and stories in an allusive manner. Quranic stories are cited in Parvin's poems to deal with the oppression of the oppressors, the caress of the children against the orphans, and the hypocrisy of the hypocrites. This article describes the Qur'anic verses in Parvin Itsaami's poems and examines the relationship between the components of stability with the Qur'an and Parvin's poems.

Key words: Fundamental of sustainability literature, sustainability literature, Qur'an, Parvin E'tesami.